

گذر پارادایمی از پژوهش‌های کمی به پژوهش‌های کیفی در علوم انسانی

مرتضی مرادی^{۱*}

چکیده

امروزه در همه علوم شاهد شتاب علمی بالا هستیم؛ پیشرفت‌های علمی خود مرهون روش‌های علمی پژوهش هستند. اما خود روش‌های پژوهش نیز تغییرات و پیشرفت‌های بسیاری داشته‌اند. هدف از این پژوهش این است که پارادایم‌های رایج و روش‌های پژوهش کیفی همراه با معیارهای ارزیابی کیفی آنها مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا اعتقاد بر این است که انجام پژوهش‌های کیفی به توسعه مبنای دانش جامع و سالم‌تر در حوزه علوم انسانی کمک خواهد کرد. درک مبانی نظری و فلسفی پژوهش کیفی می‌تواند پژوهشگران حوزه علوم انسانی را تشویق به ارزیابی و استفاده از روش کیفی به منظور تحت تأثیر قرار دادن عملکرد خودشان کند؛ این امر برای برخی ممکن است شامل یک تغییر الگو در تفکر باشد. به همین منظور، مبانی دو پارادایم رایج علمی یعنی اثبات-گرایی/فرااثبات‌گرایی و تفسیری مطرح شد. سپس ارتباط مبانی پارادایمی و روش‌شناسی ارائه شد. روش‌شناسی‌های متداول در پژوهش کیفی، یعنی نظریه داده بنیاد، مطالعه موردی، پدیدارشناسی، قوم-نگاری و داستان‌سرایی مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه روش‌های جمع‌آوری داده‌ها شامل مصاحبه فردی، گروه‌های کانونی، مشاهده و تحلیل اسناد بیان شدند. در نهایت، راهبردهای افزایش کیفیت پژوهش

کیفی مورد بررسی قرار گرفت و با راهبردهای پژوهش کمی مقایسه شدند.

واژگان کلیدی: پارادایم، پدیدارشناسی، تفسیری، اثبات‌گرایی، قوم‌نگاری، تئوری داده بنیاد.

۱- مقدمه

طی سال‌های گذشته پژوهشگران حوزه علوم انسانی پژوهش‌های شایسته و مناسبی را به صورت کمی به رشته تحریر درآورده‌اند که کمک زیادی به پیشرفت این حوزه کرده است. اگرچه این پژوهش‌ها نقش مهمی در افزایش و شناخت افراد نسبت به این رشته داشته است، اما به نظر می‌رسد توجه صرف به رویکردهای کمی و توجه کم و ناقص به پژوهش‌های کیفی منجر به درک ناکافی و محدود دیگران از علوم انسانی شده است. پژوهش کیفی به ایجاد دانش متفاوتی منجر می‌شود که مکمل پژوهش‌های کمی است. بررسی مجله‌های علمی پژوهشی در حوزه علوم انسانی نشان می‌دهد تعداد پژوهش‌های کیفی چاپ شده در آنها محدود بوده و مشاهده‌ها نشان می‌دهد این مجله‌ها بیشتر از آنکه به مفاهیم و کاربردها توجه داشته باشند، روش‌شناسی را مد نظر قرار داده‌اند؛ به طوری که حتی اگر پژوهش‌های تئوریک قوی‌ای به نگارش درآمده است چندان مورد استقبال این مجله‌ها قرار نگرفته است؛ در حالی که پژوهشگران مختلفی به اهمیت پژوهش‌های کیفی اذعان داشته‌اند.

۱. عضو هیأت علمی و استادیار گروه مدیریت دانشگاه پیام‌نور

۲- دانش کاربردی در علوم انسانی

انواع گسترده‌ای از دانش^۶ وجود دارند که ممکن است با عملکرد مرتبط باشند. ممکن است ما تشخیص دهیم بعضی از انواع دانش مهم‌تر از انواع دیگر باشند. برای نمونه آگاهی و دانش ما، از چگونگی انجام بعضی کارها (دانش عملی)^۷، از تجربه خود (دانش تجربی)^۸ و یا از دیگران یا از متون درسی حاصل می‌شود (دانش گزاره‌ای)^۹ که ممکن است سریع خود را نشان دهند. همچنین ممکن است دانش اخلاقی را در عملکردمان مد نظر داشته باشیم که باعث می‌شود بهترین برخورد را با ارباب رجوع یا مشتریان داشته باشیم؛ با این حال استفاده و کاربرد دانش زیبایی‌شناسی و هنرمندانه کمتر قابل مشاهده است. انواع دانش مد نظر ما و ارزشی که در عملکرد ما دارد تحت تأثیر درک، دیدگاه یا مدل اقدام‌های ما است. مفاهیم اقدام‌ها در بعضی از رشته‌ها بین طیفی از عقلانیت تکنیکی^{۱۰} تا مهارت حرفه‌ای^{۱۱} است [۱]، که در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

به اعتقاد نویسندگان، پژوهش کیفی به توسعه کامل‌تر و جامع‌تر مبانی دانش در حوزه علوم انسانی کمک شایانی خواهد کرد. بنابراین هدف مقاله حاضر این است که ابتدا پایه‌های فلسفی این دو رویکرد پژوهشی و سپس روش‌شناسی و روش‌های پژوهش کیفی را مورد بررسی قرار دهد، تا پژوهشگران و خوانندگان درک عمیق‌تری نسبت به پژوهش کیفی پیدا کنند. هدف، کم‌ارزش جلوه دادن و انتقاد از پژوهش‌های کمی نیست، زیرا نویسندگان به ارزش و ضرورت رویکرد کمی اعتقاد دارد. در عوض قصد بر این است مبنایی برای پژوهش کیفی ارائه شود تا درک مبانی نظری و فلسفی این رویکرد انگیزه و مشوقی برای پژوهشگران این حوزه باشد. هدف از این مقاله بررسی فلسفه زیربنایی پژوهش کیفی مانند هستی‌شناسی^۱ شناخت‌شناسی^۲ و روش‌شناسی^۳ است و به این منظور بعضی مقایسه‌ها با پژوهش کمی صورت گرفته است. قبل از ورود به بحث ابتدا مطالبی در مورد دانش بیان می‌شود.

جدول (۱) مفاهیم اقدام

مهارت حرفه‌ای	عقلانیت تکنیکی	
زمینه و اصول قضاوت‌های خاص از طریق بدیهه‌گویی، ابتکار و آزمون	مهارت‌های بدون ارزش و دانش تئوریک و پژوهشی	کاربرد
ایجاد و حل مسائل پیش‌بینی نشده، نامطمئن و پیچیده	حل به روش مکانیکی ساده، مسائل مدیریتی قابل پیش‌بینی	هدف
جاسازی شده، غیرمجزا و غیرقابل تشخیص از اقدام	قابل تشخیص و مجزا از اقدام	دانش و مهارت‌ها

هستند؛ این باعث می‌شود اقدام به مجموعه‌ای از قابلیت‌ها با چارچوب شایستگی منعکس کننده اقدام تقسیم شود. عقلانیت تکنیکی دانش را به صورت عینی و بدون مشکل می‌بیند و در آن مسائل به خوبی تعریف می‌شوند. از سوی دیگر مهارت حرفه‌ای اقدام

عقلانیت تکنیکی اقدام را به عنوان کاربرد مهارت-های بدون ارزش و دانش پژوهشی و تئوریک برای حل مشکلات قابل پیش‌بینی به روشی مکانیکی مورد توجه قرار می‌دهد. با این دیدگاه دانش و مهارت‌ها مجزا در نظر گرفته می‌شوند و از اقدام قابل تشخیص

6. Experiential Knowledge
7. Propositional Knowledge
8. Technical Rationality
9. Professional Artistry

1. ontology
2. Epistemology
3. Methodology
4. Knowledge
5. Practical Knowledge

را به عنوان کاربرد اصول و قضاوت‌های خاص زمینه‌ای از طریق ابتکار، خلاقیت و آزمون به منظور حل مسائل پیچیده، نامطمئن و غیرقابل پیش‌بینی در نظر می‌گیرد. ارزیابی انتقادی و بازتاب آن، «هنرمندی در عمل» نامیده می‌شود. دانش و مهارت به صورت تفکیک‌ناپذیر و غیرقابل تشخیص از اقدام مورد توجه قرار می‌گیرند، بنابراین نمی‌توانند به مجموعه‌ای از قابلیت‌ها تقسیم شوند.

۳- ایجاد دانش از طریق پژوهش

پژوهش به طور کلی می‌تواند به رویکردهای کمی و کیفی تقسیم شود؛ انتخاب رویکرد از طریق سوال پژوهش تعیین می‌شود. پژوهش کمی با جمع‌آوری داده‌های آماری به توصیف پدیده کمک می‌کند؛ فرضیه‌ها را آزمایش و متغیرها را کنترل می‌کنند، علت و معلول را تشخیص می‌دهند و از طریق تحلیل آماری به یافته‌هایی برای پیش‌بینی وقایع آینده کمک می‌کند. امتیاز اصلی پژوهش کمی تعیین کارامدی و اثربخشی متغیرهای مورد مداخله است. در حالی که پژوهش کمی توسط آزمایش کنترل‌شده تصادفی مشخص می‌شود، ولی این نوع روش‌شناسی در رابطه با علوم انسانی دارای محدودیت‌هایی است و به طور واضح نمی‌تواند همه مدارک مورد نیاز برای اقدام را ارائه دهد.

از طرفی پژوهش کیفی به درک تجربه انسان کمک می‌کند و با استفاده از متن به جای اعداد و ارقام در درون یک زمینه مشخص معنا می‌یابد، تجربه را تفسیر می‌کند و به درک ایجاد شده معنا می‌بخشد و نقش پژوهشگر را در ساختار دانش مشخص می‌کند. شرح مفیدی از پژوهش کیفی به صورت زیر است: «پژوهش کیفی با فرضیه‌ها، جهان‌نگری و امکان

استفاده از یک دیدگاه تئوریک شروع و مطالعه مسائل پژوهش در مورد افراد یا گروه‌ها به یک مسئله انسانی یا اجتماعی نسبت داده می‌شود. برای بررسی این مسئله، پژوهشگران کیفی از یک رویکرد کیفی موجود استفاده می‌کنند، جمع‌آوری داده‌ها در یک جایگاه طبیعی حساس به افراد و مکان تحت مطالعه صورت می‌گیرد و تحلیل داده‌ها، استقرایی است و الگوها یا موضوع‌ها^۱ را ایجاد می‌کند. ارائه یا گزارش نهایی مکتوب شامل صدای مشارکت‌کنندگان، بازتاب پژوهشگر و توصیف و تفسیر پیچیده از مسئله و به دنبال توسعه ادبیات و نشانه‌هایی از تقاضا برای عمل است [۲].

۴- فلسفه زیربنایی پژوهش کیفی

گوبا و لینکلن (۱۹۸۹) مدعی‌اند چهار پارادایم اصلی زیربنای فلسفی پژوهش‌های علوم اجتماعی را شکل می‌دهند. این چهار پارادایم عبارتند از: اثبات-گرایی^۱، فرااثبات‌گرایی^۲، نظریه انتقادی^۳ و ساخت-گرایی^۴. البته از نگاه دیگر، عده‌ای معتقدند دو پارادایم یا چارچوب تئوریک اثبات‌گرایی / فرااثبات-گرایی و تفسیرگرایی^۵ معمولاً زیربنای پژوهش‌های کمی و کیفی را به ترتیب شکل می‌دهند [۴]، که در دو طرف یک طیف قرار دارند. از آنجا که در این پژوهش بیشتر تأکید بر پژوهش کیفی و مقایسه آن با پژوهش کمی است، مبنای مقایسه را دو پارادایم اخیر قرار دادیم (جدول ۲). اگرچه اثبات‌گرایی بر تأییدپذیری پژوهشی^۶ و فرااثبات‌گرایی بر ابطال^۷ فرضیه‌های از پیش تعیین شده تأکید دارند [۳]، اما از جهات مختلف مانند هدف پژوهش، چگونگی انباشت دانش، نقش ارزش‌ها در پژوهش، معیارهای ارزیابی کیفیت پژوهش و غیره مشترک هستند.

5. Constructivism
6. Interpretivism
7. Verification
8. Falsification

1. Themes
2. Positivist
3. Postpositivist
4. Critical theory

به دست آوردن دانش از این واقعیت وجود دارد. این یک ادعا یا فرضیه درباره چگونگی شناخت واقعیت است. شناخت‌شناسی یک تئوری دانش است از آنچه که قابل شناخت و آنچه که برای تأیید دانش به کار می‌رود [۴]. شناخت‌شناسی اشاره دارد به اینکه ماهیت رابطه بین پژوهشگر و پدیده مورد پژوهش چگونه است؟ روش‌شناسی به فرایند انجام پژوهش اشاره دارد، فرایند انجام پژوهش چگونه است؟

هر یک از پارادایم‌ها دارای ارکانی هستند. همانطور که قبلاً ذکر شد، سه رکن مهم هر پارادایم عبارتند از: هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و روش‌شناسی. هستی‌شناسی که در اینجا مد نظر است به ماهیت واقعیت برمی‌گردد. این یک ادعا یا فرضیه است که رویکرد ویژه‌ای درباره ماهیت واقعیت تحت بررسی ایجاد می‌کند. ماهیت واقعیت چیست؟ دلیل وجود آن بیرونی است یا درونی؟ شناخت‌شناسی به کار برده شده به شیوه‌هایی اشاره می‌کند که در آن احتمال

جدول ۲) مقایسه فرضیه‌های زیربنایی پارادایم‌های فراتبارگرایی و تفسیری [۳، ۴، ۵]

تفسیرگرایی	فراتبارگرایی	موارد قابل بحث
واقعیت چندگانه، واقعیت سازه‌ای اجتماعی است	یک واقعیت عینی	هستی‌شناسی
تبادلی / ذهن‌گرایی، درک سازه‌های اجتماعی چندگانه از معانی و دانش	عینیت‌گرایی، فقط چیزهای را می‌پذیرد که به طور مستقیم به وسیله حواس مشاهده می‌شوند	شناخت‌شناسی
هرمنوتیکی، دیالکتیکی و تأویلی	آزمایشی و دستکاری تعدیل شده	روش‌شناسی
مشاهده دربرگیرنده تفسیر است	دانش عینی از مشاهده و تجربه به دست می‌آید، اما ناقص است	ماهیت دانش
بازسازی‌های آگاهانه‌تر و دقیق‌تر تجربه نیابتی	افزایش تدریجی بنای دانش، تعمیم‌پذیری	انباشت دانش
قابلیت اعتماد و اصالت و سوء تفاهم‌ها (بد فهمی)	محک‌های متعارف علمی: روایی دومی و بیرونی، پایایی و عینیت	معیارهای کیفیت دانش
استدلال استقرایی برای بررسی، درک، تغییر، ارزیابی و بازسازی سازه‌ها	تبیین، پیش‌بینی و کنترل، آزمایش فرضیه‌ها بر اساس استدلال قیاسی	هدف از پژوهش
جمع‌آوری اطلاعات غنی	فرضیه‌ها و استنتاج	پژوهش از طریق
سوال پژوهش (نه فرضیه) در خلال تحلیل داده‌ها اصلاح و تصحیح می‌شوند	در شروع پژوهش به طور واضح تعریف می‌شوند	فرضیه‌ها و سؤال پژوهش
پژوهشگر	اغلب از ابزارهای بیرونی که دارای روایی و پایایی هستند استفاده می‌شود	ابزار پژوهش
بخشی از سوژه مورد بررسی و مشاهده است	باید مستقل باشد	پژوهشگر
مشارکت‌کنندگان در ساخت "واقعیت" با پژوهشگر همکاری دارند	موضوع‌های مورد مطالعه منفعل هستند	مشارکت‌کنندگان
مشارکت‌کنندگان فعالانه کمک می‌کنند	جدا و غیرشخصی	رابطه بین پژوهشگر و مشارکت‌کنندگان
کلمات و معانی تفسیری برای درک پدیده	داده‌های کمی قابل اندازه‌گیری	داده
کنترل نشده	کنترل شده	متغیرها
باید به دیدگاه افراد ذی‌نفع نیز توجه کرد	باید به گونه‌ای عملیاتی شوند که بتوان آنها را اندازه گرفت	مفاهیم
می‌توانند شامل پیچیدگی موقعیت‌های کل باشند	باید به شکل واژه‌هایی ساده‌تر درآیند	واحدهای تحلیل
زبان غیرحرفه‌ای به عنوان واسطه مهم زندگی اجتماعی پذیرفته می‌شود	زبان جهانی ابژه‌ها را توصیف می‌کند، چرا که دقت مهم است	نقش زبان غیر حرفه‌ای (شعور متعارف)
تلاشی برای تکرار مطالعات نمی‌شود	تکرار	اعتبار

تفسیرگرایی	فرااثبات‌گرایی	موارد قابل بحث
ارزش‌مداری	عاری از ارزش	ارزش‌ها
فقدان توافق (ناهمسازی)	توافق (همسازی)	سازگاری
انتزاع نظری	احتمال آماری	تعمیم از طریق
تفاوت اساسی بین علوم طبیعی و علوم اجتماعی از نظر روش	امکان استفاده از فرضیه‌ها و روش‌ها در علوم طبیعی و علوم اجتماعی	علوم طبیعی در مقابل علوم اجتماعی
تعداد کمی موارد برگزیده به دلایل خاص است	تعداد زیادی نمونه‌های تصادفی	نمونه‌گیری
باید درک کلی از موقعیت را افزایش دهند	باید علل را مشخص کنند	توضیحات

این پارادایم زیربنای بسیاری از پژوهش‌های کمی و برخی از پژوهش‌های کیفی را شکل می‌دهد. در ادامه اشاره خواهد شد که چگونه روش‌شناسی‌های کیفی می‌توانند در یک موقعیت اثبات‌گرا یا تفسیری به کار برده شوند.

۴-۲- تفسیرگرایی

در اواخر قرن نوزدهم، ماکس وبر^۱ و ویلهلم دیلتای^۲ با ارائه نظریه معرفت‌شناسی مبتنی بر تفسیر، روش تفهیمی^۳ را به عنوان روش ویژه در برابر روش تبیینی مطرح کردند. آنها معتقد بودند که موضوع مورد مطالعه علوم اجتماعی، برخلاف علوم طبیعی، ملموس نیست و به همین دلیل تنها از طریق تفهم می‌توان به مطلوب دست یافت [۸]. یکی از تفاوت‌های تفسیرگرایی با اثبات‌گرایی وارد کردن معنا به عنوان عنصر اساسی در تفسیر رفتارهای عاملان اجتماعی است. بنابراین رویکرد ذکر شده به رویکرد معناگرا معرفی شد. رویکردی که معنا را به عنوان نقطه ثقل مطالعاتی خود در تفسیر عاملان اجتماعی قرار می‌دهد [۹]. این پارادایم جایی است که «واقعیت اجتماعی به عنوان محصول فرایندهایی تلقی می‌شود که در آن کنشگران اجتماعی درباره معانی کنش‌ها و موقعیت‌ها با یکدیگر مذاکره می‌کنند؛ این یک پیچیدگی از معانی ساخته شده اجتماعی است. تجربه انسان شامل فرایندی از تفسیر به جای فرایند حسی

۴-۱ اثبات‌گرایی / فرااثبات‌گرایی

این پارادایم (که اغلب به عنوان روش علمی یا علم تجربی شناخته شده است) طی روشنگری‌های قرن هجدهم هنگامی که تفکر و دلیل منطقی جایگزین مذهب و اعتقادات برای توصیف پدیده‌ها شد، توسعه و گسترش پیدا کرد. این فرض می‌کند یک واقعیت پایدار که می‌تواند به شیوه‌ای بسیار دقیق و نظام‌مند مشاهده و اندازه‌گیری شود، دانش عینی را توسعه می‌دهد. این پارادایم به لحاظ هستی‌شناسی معتقد است یک واقعیت عینی واحد وجود دارد. واقعیت اجتماعی نتیجه پیچیده‌ای از روابط علی بین رویدادها را در نظر می‌گیرد. دانش این واقعیت (شناخت‌شناسی) از طریق مشاهده به دست می‌آید؛ هرچه که در جهان طبیعی یا اجتماعی مشاهده می‌شود به عنوان واقعیت نگریسته می‌شود. انسان بر طبق تفکر اثبات‌گرایانه، مشاهده، ارزیابی و آزمایش می‌شود و بر طبق قوانین قابل تعمیم معین رفتار می‌کند [۶]. مشاهده‌گر تجارب و دانش خود را به پژوهش ارائه می‌دهد، البته مجزا کردن آنها از پژوهش حیاتی است. هدف علم کسب دانش توصیفی و پیش‌بینی‌کننده از دنیای بیرون به وسیله توسعه قوانین کلی است که روابط منظم پدیده‌ها را از طریق مشاهده و تجربه نظام‌مند کشف می‌کند [۷]. اعتبار این موضوع از طریق تکرار پژوهش‌ها افزایش می‌یابد.

3. Understanding

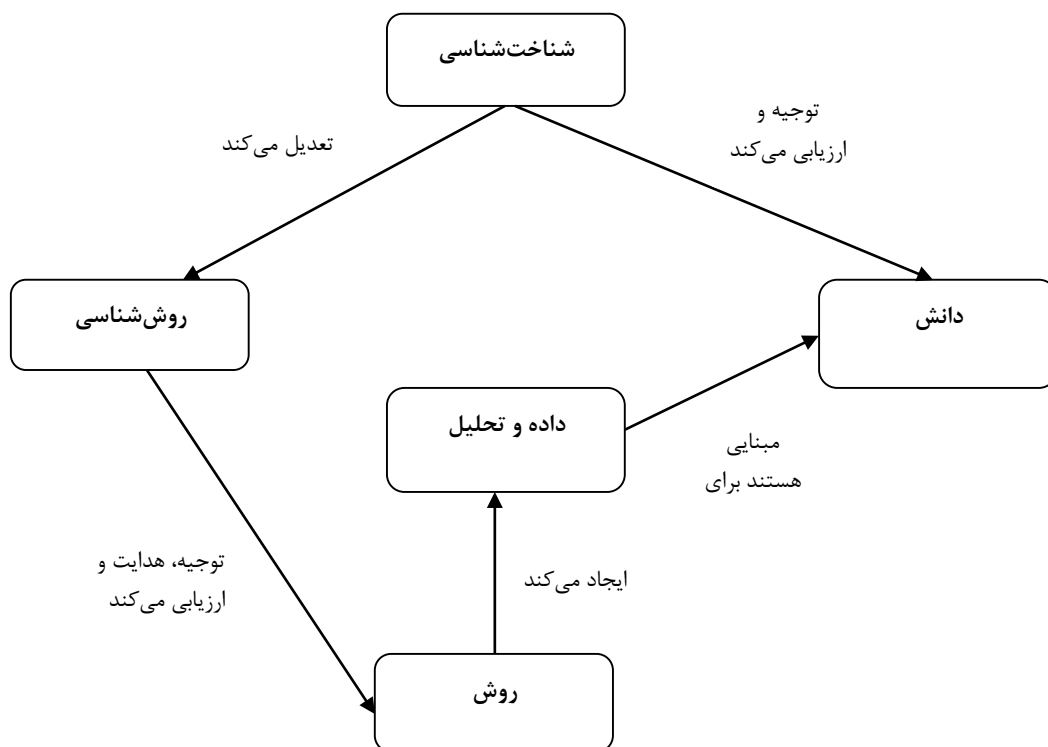
1. Max Weber
2. Wilhelm Dilthey

شکل‌دهی نتایج پژوهش تصور می‌شوند [۳]. دانش با همکاری پژوهشگر و مشارکت‌کنندگان ایجاد می‌شود. دانش ایجاد شده قابل تعمیم نیست، اما ممکن است به موقعیت‌های دیگر انتقال داده شود. سبک نوشتن روایتی^۲ و غیررسمی است و ممکن است از ضمیر اول شخص مفرد (من) استفاده شود و واژگانی از قبیل (معنا)، (کشف) و (درک) به کار برده شود [۲]. این فرضیه‌ها و رویه‌ها پایه پژوهش کیفی را تشکیل می‌دهند. استراتژی استدلال استقرایی و قیاسی به کار برده می‌شوند. پژوهشگر به شکل استقرایی؛ الگوها، موضوع‌ها و طبقاتی از داده‌ها را برای افزایش سطوح انتزاعی ایجاد می‌کند. قیاس شامل ایجاد ایده‌ها و فرضیه‌های جدید برای کمک به توصیف پدیده در درون داده‌ها است [۴]. استراتژی‌های استدلال منجر به توصیف مفصل از پدیده مورد علاقه یا یک نظریه می‌شود.

بررسی مطالعات کیفی انجام شده، نشان می‌دهد که هر پژوهشگری دیدگاه‌های شناخت‌شناسانه متفاوتی دارد. از لحاظ اینکه چه چیزی را برای یک دانش قابل اعتماد مورد توجه قرار می‌دهند، در دیدگاه‌هایشان توافق درونی وجود دارد، اما آنها با یکدیگر سازگار (همساز) نیستند. به عبارت دیگر، موقعیت شناخت‌شناسانه اقتباس شده به وسیله پژوهشگر، به‌طور مستقیم بر روش‌شناسی و روش‌های مورد استفاده تأثیر می‌گذارد. روابط بین شناخت-شناسی، روش‌شناسی، روش‌ها و ایجاد دانش در شکل ۱ نشان داده شده است.

است، درک مادی از دنیای فیزیکی بیرونی و رفتار انسان بستگی به آن دارد که چگونه افراد شرایطی را که خود دریافت کرده‌اند را تفسیر می‌کنند. واقعیت اجتماعی که به روش‌های مختلف ممکن است تفسیر شود «چیز» یکسانی نیست، بلکه تفاسیر مختلف است [۳].

تفسیرگرایان اعتقاد دارند افراد به دنبال درک دنیایی هستند که در آن زندگی می‌کنند. معنا به طور خودکار در ابریه‌ها یا موقعیت‌های اجتماعی به وجود نمی‌آید، بلکه باید ساخته یا توسط افراد ایجاد شود [۱۰]. معانی متفاوت و چندگانه هستند و افراد معانی ذهنی خود را از تجربه‌هایشان شکل می‌دهند [۱۱]. از نظر هستی‌شناسی، واقعیت از لحاظ اجتماعی ساخته می‌شود. به همین دلیل، جهان اجتماعی نمی‌تواند به روشی مشابه با دنیای طبیعی مورد پژوهش و بررسی قرار گیرد. شناخت‌شناسی شامل درک دیدگاه‌های متعدد افراد در یک موقعیت ویژه است. پرسش پژوهش به صورت ساده حفظ می‌شود تا این تنوع را دریافت کند و پژوهش همچنان که ادامه پیدا می‌کند، شکل می‌گیرد. پژوهشگر بین جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل داده‌ها به عقب و جلو حرکت می‌کند، استدلال‌ها به طور استقرایی از داده‌ها دنبال می‌شود و به تدریج بر موضوع‌های منتج از داده‌ها متمرکز می‌شوند. بنابراین فریند پژوهش انعطاف‌پذیر است [۱۲]. پژوهشگران بیان می‌کنند که تجارب آنها، تفسیرشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این بخشی از فرایند پژوهش تلقی می‌شود. ارزش‌ها و تعصب‌های پژوهشگر به عنوان عواملی گریزناپذیر در



شکل (۱) رابطه بین شناخت‌شناسی، روش‌شناسی و روش برای ایجاد دانش [۱۳]

۵-۱- روش‌شناسی

روش‌شناسی اشاره به پیش‌زمینه‌های تئوریک، سیاسی و فلسفی برای پژوهش اجتماعی و پیامدهای آن برای عملکرد پژوهش و به‌کارگیری روش‌های خاص پژوهش دارد [۱۲]. از سوی دیگر، روش‌ها اشاره به تکنیک‌هایی دارند که برای به دست آوردن و تحلیل داده‌ها به منظور ایجاد دانش و آگاهی به کار برده می‌شوند. بنابراین، روش‌شناسی یک استراتژی از پژوهش است که مجموعه‌ای از رویه‌ها را هدایت می‌کند [۱۱، ۱۴].

همانطور که ملاحظه می‌شود، شناخت‌شناسی بر انتخاب روش‌شناسی اثر می‌گذارد و آن نیز به نوبه خود، انتخاب روش را توجیه می‌کند. سپس از طریق روش پژوهش، داده‌ها تحلیل می‌شود و بر اساس تحلیل داده‌ها، دانش توسعه پیدا می‌کند.

۵- روش‌شناسی‌ها و روش‌های پژوهش کیفی

با طرح مبانی فلسفی و نظری، در این بخش، انواع روش‌شناسی‌ها و روش‌ها در پژوهش‌های کیفی مورد بررسی قرار می‌گیرد. پژوهش کیفی معمولاً به صورت اصطلاحی عام برای دامنه‌ای از روش‌شناسی‌های پژوهش به کار می‌رود که با فرضیه‌های شناخت-شناسی متفاوت است. همانطور که در ادامه بیان خواهد شد، کلیه روش‌شناسی‌های کیفی توسط شناخت‌شناسی تفسیرگرایان پایه‌ریزی نمی‌گردد.

۷	اقدام پژوهی یا اقدام پژوهی مشارکتی ^۷
۸	هرمنوتیک ^۸
۹	فمینیسم ^۹

انواع گوناگونی از روش‌شناسی‌ها وجود دارد که در جدول (۳) نشان داده شده‌اند. در این مقاله درباره پنج روش‌شناسی پر کاربرد بحث خواهد شد (جدول ۴).

جدول (۳) انواع روش‌شناسی‌ها

ردیف	انواع روش‌شناسی‌ها
۱	نظریه داده بنیاد ^۱
۲	مطالعه موردی ^۲
۳	قوم‌نگاری ^۳
۴	پدیدارشناسی ^۴
۵	داستان‌سرایی ^۵
۶	پژوهش ارزیابی ^۶

جدول (۴) روش‌شناسی‌های مورد استفاده و نوع‌شناسی آنها

ردیف	روش‌شناسی	اثبات‌گرایی/افرااثبات‌گرایی	تفسیرگرایی
۱	تئوری داده بنیاد	گلاسر و استراوس (۱۹۶۷) [۱۵].	استراوس و کوربین (۱۹۹۸) [۱۶]. ساختارگرایی (چارمز، ۲۰۰۶) [۱۷].
۲	مطالعه موردی	ین (۲۰۰۹) [۱۸].	استیک (۱۹۹۵) [۱۹].
۳	پدیدارشناسی	پدیدارشناسی متعالی یا روان‌شناسی (موستاکیس، ۱۹۹۴) [۲۰].	پدیدارشناسی هرمنوتیک (ون‌مانن، ۱۹۹۰) [۲۱].
۴	قوم‌نگاری	قوم‌نگاری رئالیسم (هامرلسی و اتکینسون، ۱۹۹۵) [۲۲].	عملکرد (مک‌کال، ۲۰۰۰) [۲۳].
۵	داستان‌سرایی	(الیوت، ۲۰۰۵) [۲۴].	(الیوت، ۲۰۰۵) [۲۴].

که پدیده تحت مطالعه را تجربه کرده‌اند. این نظریه از آغاز توسط تعدادی از پژوهشگران از قبیل چارمز، کلارک، گلیزر، استراوس، استراوس و کوربین، چاتزمن شکل گرفته است. در حالی که نظریه «داده بنیاد گلیزر»، رویکرد اثبات‌گرایی را بر اساس ایجاد مفاهیم ناشی از داده‌ها دنبال می‌کند، دیگران رویکرد تفسیرگرایان را در نظریه داده بنیاد دنبال می‌کنند که به موجب آن، نظریه توسط پژوهشگر ایجاد می‌شود [۱۷].

نظریه «داده بنیاد» به دلیل ماهیت مقایسه‌ای و تطبیقی بودن تحلیل خود، همیشه ملازم با نمونه-برداری نظری^{۱۰} است [۱۵]. در نظریه «داده بنیاد» ابتدا از نمونه‌گیری هدفمند^{۱۱} استفاده می‌شود، زیرا

۵-۱-۱- نظریه داده بنیاد

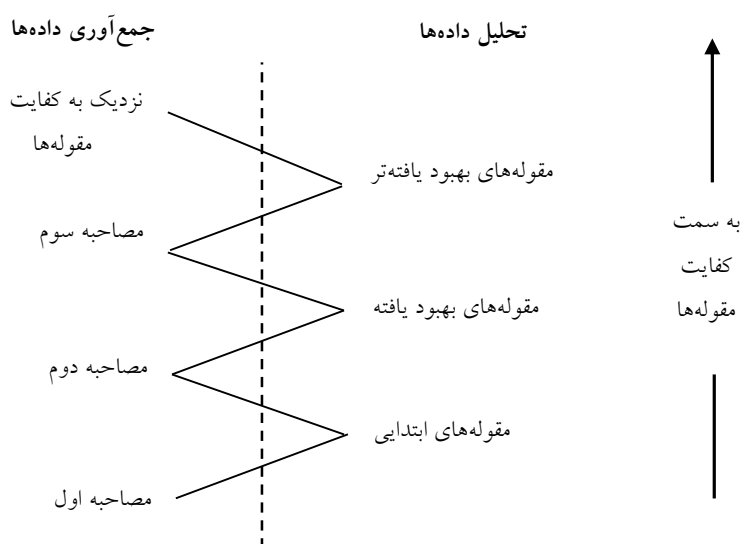
این روش‌شناسی توسط گلاسر و استراوس (۱۹۶۷) از دانشگاه کالیفرنیا شکل گرفت [۱۵]، و ریشه در جامعه‌شناسی دارد. نظریه «داده بنیاد»، روش‌شناسی استقرایی کشف نظریه است که این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌آورد تا گزارش نظری از ویژگی‌های عمومی موضوع پرورش دهد، در حالی که به طور همزمان، اساس این گزارش را در مشاهده‌های تجربی داده‌ها استوار می‌کند [۲۵]. هدف نظریه «داده بنیاد» ایجاد نظریه‌ای است که فرایند اجتماعی، کنش یا تعامل را توصیف می‌کند. این نظریه از داده‌های مشارکت‌کنندگانی به وجود می‌آید

7. Action research and participatory action research
8. Hermeneutics
9. Feminism
10. Theoretical sampling
11. Purposive sampling

1. Grounded theory
2. Case study
3. Ethnography
4. Phenomenology
5. Narrative
6. Evaluation research

و داده‌های مربوط به اسناد استفاده شود، ولی رایج-ترین شیوه جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه است. پژوهشگر داده‌ها را گردآوری و بلافاصله تحلیل می‌کند، نه اینکه صبر کند تا همه داده‌ها گردآوری شود؛ سپس تصمیم خود را در مورد اینکه چه داده‌ای را بعدها گردآوری کند، بر این تحلیل بنیان می‌گذارد. فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها به منظور رسیدن به کفایت مقوله‌ها در شکل (۲) نشان داده شده است.

نمونه‌گیری نظری نمی‌تواند قبل از شروع مطالعه برنامه‌ریزی شود، تصمیم‌های خاص نمونه‌برداری در خلال فرایند پژوهش شکل می‌گیرند [۱۶]. نمونه-برداری نظری در نظریه داده بنیاد به این معنی است که شکل‌هایی از گردآوری داده‌ها را انتخاب می‌کند که متون و تصورات مفیدی در راستای تولید یک نظریه به دست خواهد داد [۳]. ممکن است از مشاهده



شکل (۲) حرکت زیگزاگ گردآوری و تحلیل داده‌ها برای دستیابی به کفایت مقوله‌ها [۳]

طبق یک فرایند تکراری انجام می‌شود. در ابتدا نمونه-گیری هدفمند به کار گرفته می‌شود، اما سپس بر اساس ارتباط تئوریک به منظور توسعه تئوریک؛ تا رسیدن به اشباع و کفایت نظری این کار ادامه می‌یابد. در کل، پژوهشگر عقاید و فرضیه‌ها را به صورت یادداشت‌های نظری ثبت می‌کند تا به ایجاد روابط بین کدهایی کمک کند که تشخیص شرایط، کنش/تعاملات و پیامدهای فرایند اجتماعی تحت بررسی را تسهیل می‌کنند. روابط بین کدهای خلاصه شده برای ایجاد یک ماتریس یا مدل توصیفی مشخص می‌شوند و نوشتن این کدها یک تئوری واقعی را شکل می‌دهد.

روش تحلیل داده‌ها شامل کدگذاری داده (از قبیل رونوشت مصاحبه)، به وسیله اختصاص برچسب به رویدادها، کنش‌ها و رویکردها است. همانطور که تحلیل داده‌ها ادامه می‌یابد، پژوهشگر این کدها را به مفاهیم ذهنی گسترده‌تر و دسته‌هایی برای دریافت پیچیدگی‌های فرایند اجتماعی خلاصه می‌کند. این فرآیند با مقایسه مستمر شباهت‌ها و اختلاف‌ها در درون و بین مجموعه داده‌ها تسهیل می‌شود؛ که به عنوان روش مقایسه‌ای ثابت تحلیل مد نظر قرار می‌گیرد. جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به طور همزمان

۵-۱-۲- مطالعه موردی

از مطالعات موردی می‌توان در بررسی فرایندها و رفتارهای جدید یا فرایندها و رفتارهایی استفاده کرد که کمتر قابل درک هستند. در این حالت، مطالعات موردی وظیفه مهمی در ایجاد فرضیه‌ها و نظریه‌سازی دارد. احتمال ایجاد نظریه جدید به وسیله مطالعه موردی زیاد است؛ همچنین نظریه ظهور یافته حاصل از مطالعات موردی با سازهایی که می‌توانند اندازه‌گیری شوند و فرضیه‌هایی که می‌توانند تأیید شوند، قابل آزمون است، چون در اینجا نظریه‌پردازی تا حد زیادی استقرایی است.

۵-۱-۳- پدیدارشناسی

این روش‌شناسی با شروع قرن بیستم از آلمان نشأت گرفت و در روان‌شناسی و فلسفه ریشه داشته است؛ بنابراین با فیلسوفانی از قبیل هوسرل^۹، هایدیگر^{۱۱}، گادمر^{۱۲}، ساتر^{۱۳} و مرلو-پونتی^{۱۴} همراه بوده است. در ۱۰ سال گذشته رشد سریعی از لحاظ کاربرد در سراسر داشته است به طوری که منجر به توسعه سازمان‌های پدیدارشناختی^{۱۵} شده است. پدیدارشناسی از نظر لغوی، عبارت است از مطالعه پدیده‌ها از هر نوع و توصیف آنان با در نظر گرفتن نحوه بروز تجلی آنها، قبل از هرگونه ارزشگذاری، تأویل و یا قضاوت ارزش [۲۸]. هوسرل نیز که به عنوان بنیانگذار نهضت پدیدارشناسی معروف است، معتقد است: پدیده‌شناسی به طور اساسی روشی بر پایه تجربه ناب جهانی است که در آن زندگی می‌کنیم و به منظور بازسازی آن در سطحی متعالی پدید می‌آید، به یقین یک نظریه و حتی آیین نیز هست. همچنین می‌گوید «پدیدارشناسی به علت تأویلی که

این روش‌شناسی از علوم انسانی و اجتماعی و همچنین پژوهش‌های ارزیابی نشأت می‌گیرد [۲]. مطالعه موردی علم بی‌نظیری است [۲۶، ۲۷]؛ هدف آن درک چیزی است که به عنوان نمونه خاص مشخص شده است [۱۹]، این مورد ممکن است یک شخص، یک سازمان، یک کلاس درس، یک برنامه، یک سیاست، یک فرآیند یا یک سیستم باشد [۲۶]. برای کمک به درک عمیق نمونه، انواع داده‌ها ممکن است جمع‌آوری شوند، این داده‌ها در پژوهش‌های کیفی معمولاً شامل مصاحبه، مشاهده و تحلیل اسناد می‌شود. هیچ روش خاصی از تحلیل داده‌ها مخصوص روش‌شناسی مطالعه موردی نیست؛ پژوهشگر قادر است انواعی از روش‌ها را انتخاب کند و با تمرکز بر مورد مطالعه و پرسش پژوهش به پژوهش ادامه دهد. طیفی از اصطلاحات برای شرح انواع مختلف مطالعات موردی به کار برده می‌شوند که شامل موارد زیر است: قصه‌گویی^۱ و کشیدن تصویر^۲، نظریه‌یابی^۳ و نظریه‌سنجی^۴ [۲۷]؛ درونی^۵ و ابزاری^۶ [۱۹]؛ منجر به تئوری^۷، ایجاد تئوری^۸، ارزیابی و قوم‌نگاری [۲۶]؛ توصیفی، اکتشافی و تبیینی [۱۸]. ین (۲۰۰۹) علاوه بر اشاره کردن به مطالعه موردی واحد یا چندگانه^۹، واحد تحلیل مجزا و چندگانه را مد نظر قرار داد. مطالعه موردی توصیف شده توسط ین از شناخت-شناسی اثبات‌گراتری پیروی می‌کند، در حالیکه دیگران مطالعه موردی را از دیدگاه تفسیرگرایی شرح می‌دهند [۱۹، ۲۶، ۲۷].

9. Single and multiple-case study

10. Husserl

11. Heidegger

12. Gadamer

13. Satre

14. Merleau-Ponty

15. The Organisation of Phenomenological Organisations

1. Storytelling

2. Picture Drawing

3. Theory seeking

4. Theory testing

5. Intrinsic

6. Instrumental

7. Theory-led

8. Theory-generated

تحقیق (مجموعه نگرش کیفی و تحلیلی نسبت به یک موضوع پژوهش خاص)، [۲۰، ۲۱]؛ و هم به عنوان یک نظریه (مجموعه نظام خاصی که یک موضوع را در چهارچوب آن بتوان تحقیق کرد) [۳۲]، مطرح است [۳۳].

در پژوهش پدیدارشناسی، دو پرسش از مشارکت-کنندگان پرسیده می‌شود: در مورد پدیده مورد نظر چه تجربه‌ای دارید؟ چه زمینه یا وضعیتی به نوعی بر تجربه شما از پدیده مورد نظر تأثیرگذار است؟ که شامل پرسش‌های چه و چگونه می‌شود. در واقع اصلی‌ترین سوال هر پدیدارشناس عبارت است از: شیوه تجربه کردن یک پدیده چیست؟ جوهره و ماهیت پدیده مورد نظر چیست؟ چه احساسی راجع به آن پدیده دارید؟ تفکر شما در ارتباط با آن چیست؟ همچنین در پژوهش پدیدارشناسی، پژوهشگر کنترلی بر جامعه مورد پژوهش اعمال نمی‌کند. زیرا به دنبال آن است تا بدون ایجاد هرگونه حساسیت در جامعه که منجر به مصنوعی شدن رفتار اعضا می‌شود، به ثبت رفتار بپردازد. پژوهش پدیدارشناسی از نظر هدف به‌طور عمومی برای اکتشاف و توصیف مناسب است [۳۳]. با تمرکز بر این روش‌شناسی، جمع‌آوری داده‌ها بیشتر اوقات شامل مصاحبه‌های انفرادی است. البته می‌توان از بررسی اسناد نیز بهره گرفت. تحلیل داده‌های پدیدارشناسی نیز از طریق تقلیل گزاره‌های معنادار به درون موضوع‌ها و سپس نگارش توصیف‌های متنی و ساختاری صورت می‌گیرد.

۵-۱-۴- قوم‌نگاری

این روش‌شناسی از مقایسه انسان‌شناسی فرهنگی در اوایل قرن بیستم نشأت گرفته است. تا دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ جامعه‌شناسان از دانشگاه شیکاگو اصول قوم-نگاری را برای گروه‌های فرهنگی در ایالات متحده به

دهلیز آن است، علمی است مطلقاً نفسانی و مربوط به فاعل حسی و ادراکی...» [۲۹].

تمرکز این روش‌شناسی بر درک تجربه منحصر به فرد افراد به وسیله کشف معنای یک پدیده است. تفسیر و تحلیل بیشتر بر اساس داده‌های توصیفی باعث می‌شود پژوهشگر شرحی از "ماهیت" پدیده را کشف کند؛ که برای افراد معنایی جهان‌شمول داشته باشد. برای به دست آوردن این ماهیت، پژوهشگر باید توجه خود را به یک طرف از پدیده معطوف کند که به عنوان چارچوب به آن اشاره می‌شود تا بتواند درک خود را عمیق‌تر سازد. تصویری که پژوهشگر می‌تواند خود را به این شیوه جدا کند بازتابی از عینیت‌گرایی در تفکر اثبات‌گرایی است. از آنجا که ما به کمک زبان، معانی جهانی را تجربه و ایجاد می‌کنیم، پدیدارشناسی غالباً ارتباط نزدیکی با هرمنوتیک (علم تفسیر و تأویل) دارد.

دو نوع اصلی از پدیدارشناسی وجود دارد: پدیدارشناسی هرمنوتیکی^۱ [۲۱] که بر این عقیده است یافته‌ها توصیف خالصی نیستند بلکه بیشتر تفسیر پژوهشگر هستند؛ این نوع از پدیدارشناسی به عنوان تحلیل پدیدارشناختی تفسیری^۲ شناخته شده است (اسمیت و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۶۵). نوع دوم پدیدارشناسی متعالی^۳ [۲۰] است؛ پدیدارشناسی متعالی مستلزم این است که پژوهشگران دیدگاه‌های خود را به منظور افزایش توصیف از آنچه از پدیده و چگونگی آن تجربه کرده‌اند را دسته‌بندی کنند [۳۰]. به عبارت دیگر، پدیدارشناسی متعالی در جستجوی پیدا کردن ماهیت علوم اجتماعی و فرهنگی است تا واقعیت مربوط به آن ماهیت را تبیین کند و کارائی و روش‌های تجربی را مورد سؤال قرار دهد [۳۱]. پدیدارشناسی هم به عنوان روش جمع‌آوری اطلاعات (انواع مشاهده)، [۲]، و هم به عنوان روش

3. Transcendental Phenomenology

1. Hermeneutical Phenomenology

2. Interpretative Phenomenological Analysis

قوم‌نگاری رئالیست از سنت فرااثبات‌گرایی پیروی می‌کند که به دنبال دانش عینی است. پژوهشگر فرهنگ را بدون در نظر گرفتن ارزش و غیرذی‌نفعانه مشاهده می‌کند و "حقایق" فرهنگ را به عنوان یک شخص ثالث به تفصیل به رشته تحریر درمی‌آورد. از مشارکت‌کنندگان در پژوهش درخواست تأثیر بر یافته‌ها نمی‌شود؛ بلکه همه به پژوهشگر واگذار می‌شود. قوم‌نگاری انتقادی که در دهه ۱۹۹۰ شکل گرفت، به دنبال آگاهی‌بخشی^۷ به گروهی از افراد است که در جامعه نادیده گرفته شده‌اند؛ این کار از طریق صحبت از نابرابری، تبعیض و سلطه‌گری انجام می‌شود. در ادامه مطالعات در این زمینه، اتکینسون و هامرسلی^۸ (۲۰۰۷) و اتکینسون و همکاران (۲۰۰۷) مطالبی را به رشته تحریر درآوردند.

۵-۱-۵- پژوهش داستان‌سرایی (روایتی)

این روش‌شناسی از علوم انسانی و اجتماعی نشأت گرفته است و می‌تواند یک رویکرد کیفی یا کمی را دنبال کند [۲۴]. پژوهش داستان‌سرایی بر داستان‌های تفصیلی یا تجارب زندگی از یک رویداد واحد یا مجموعه‌ای از رویدادها برای تعداد کمی از افراد تمرکز می‌کند [۲]. پژوهش داستان‌سرایی ممکن است زندگی افراد را به صورت زندگی‌نامه‌ای دنبال کند، در حالی که تاریخ شفاهی به دنبال کشف بازتاب شخصی رویدادها از یک یا افراد بیشتری است. دیدگاه‌های تئوریک از قبیل فمینیسم ممکن است در درون این نوع از پژوهش به کار برده شود.

انواعی از روش‌های جمع‌آوری داده شامل مشاهده، خاطرات و نامه‌های مشارکت‌کنندگان، مستندها، مصاحبه‌ها، مصنوعات و عکس‌ها استفاده می‌شود؛ این داده‌ها به ارائه یک داستان متنی مفصل

کار بردند [۳۴]. قوم‌نگاری به معنای نوشتن درباره شیوه زندگی یک قوم یا اجتماع یا یک سازمان است. رویکرد قوم‌نگاری بر انسان‌شناسی استوار است و به پژوهشگر اجازه می‌دهد برای تعیین الگوی مشاهده شده فعالیت انسان از دانش اجتماعی و مشترک مشارکت‌کنندگان در پژوهش استفاده کند. ویژگی کلیدی رویکرد قوم‌نگارانه تمرکز بر شیوه‌های طبیعت‌گرایانه پژوهش، نظیر مشاهده مشارکتی درون نوعی چارچوب استقرایی است [۳]. تمرکز این روش-شناسی، بررسی الگوهای مشترک رفتار، عقاید و زبان در درون یک گروه فرهنگی است که پژوهشگران برای انجام این کار به زمان زیادی برای مشاهده دارند. اغلب اوقات قوم‌نگاری از طریق مشاهده مشارکتی انجام می‌شود که به موجب آن پژوهشگر در کنار مشارکت‌کنندگان در درون یک فرهنگ زندگی می‌کند و از طریق مشاهده و مصاحبه با آنها فهم خود را افزایش می‌دهد. ممکن است برای کمک به گزارش توصیفی از گروه با فرهنگ مشترک انواعی از داده‌ها جمع‌آوری و سپس تفسیر و تحلیل شوند [۳۴]. بنابراین پژوهشگر معنای رفتار، زبان و تعامل بین گروه را توصیف و تفسیر می‌کند [۲]. در پژوهش‌های مدیریتی، مینتزبرگ^۱ (۱۹۷۳)، با به کارگیری مشاهده مشارکتی، قادر شد به آنچه که مدیران به طور واقعی انجام می‌دهند، در مقابل آنچه که ادعای انجام آن را داشتند، یا آن دسته از مصوبه‌های رسمی سازمان دست پیدا کند که آنها را وادار به انجام آنها می‌کردند.

در قوم‌نگاری انواعی از تغییرپذیری وجود دارد، از قبیل تاریخچه زندگی^۲، خود قوم‌نگاری^۳ و قوم‌نگاری فمینیست^۴ با دو رویکرد کاربردی متداول تر یعنی قوم‌نگاری رئالیست^۵ و قوم‌نگاری انتقادی^۶ وجود دارد.

5. Realist ethnography
6. Critical ethnography
7. Emancipate
8. Atkinson & Hammersley

1. Mintzberg
2. Life history
3. Autoethnography
4. Feminist ethnography

۵-۲- روش‌ها

بعد از مشخص شدن روش‌شناسی، روش‌ها (یا ابزارهای) مختلفی ممکن است برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها انتخاب شود. ابتدا روش‌های نمونه‌گیری، سپس روش‌های جمع‌آوری داده در پژوهش کیفی مدنظر قرار می‌گیرد.

۵-۲-۱- روش‌های نمونه‌گیری

روش‌های نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی شامل نمونه‌گیری هدفمند، نظری، در دسترس^۴ و گلوله‌برفی^۵ است که توضیح مختصری از آنها در جدول شماره (۵) ارائه شده است. روش پرکاربرد، نمونه‌گیری هدفمند است که به دنبال موردهایی با اطلاعات غنی^۵ است [۳۶]؛ ممکن است پژوهشگر برای درک عمیق‌تر، به طور هدفمند به دنبال تنوع باشد.

کمک می‌کنند. تحلیل داده‌ها شامل تشخیص داستان‌ها به ترتیب زمانی، تشخیص جنبه‌های کلیدی و حتی شامل تفسیر و تحلیل موضوعی^۱ باشد. پژوهشگر در مورد معانی داستان‌ها با مشارکت‌کنندگان مذاکره می‌کند.

همانطور که ذکر شد روش‌شناسی‌های دیگری نیز وجود دارند، روش‌شناسی‌هایی که در بالا به آنها اشاره شد، تعدادی از رویکردهای کاربردی رایج را ارائه می‌دهند. در مقابل، برخی از پژوهش‌ها از ترکیبی از رویکردها از قبیل تئوری داده بنیاد و قوم‌نگاری استفاده می‌کنند، در حالی که ممکن است دیگران از رویکردهای نامبرده هرگز استفاده نکنند، در عوض از یک رویکرد عمومی^۲ استفاده کنند [۳۵]. در این صورت، تعیین کیفیت پژوهش در این موردها ممکن است مشکل‌آفرین باشد.

جدول (۵) روش‌های نمونه‌گیری رایج در پژوهش کیفی

روش نمونه‌گیری	انتخاب
هدفمند	نمونه بر اساس ارتباط با مطالعه انتخاب می‌شود.
نظری	نمونه بر اساس درک تحلیلی و توسعه تئوری انتخاب می‌شود؛ آن چیزی که در تئوری داده بنیاد استفاده می‌شود.
در دسترس	نمونه بر اساس سادگی و سهولت انتخاب می‌شود.
گلوله‌برفی	بعد از انتخاب تعداد کمی مشارکت‌کننده اولیه (هدفمند یا در دسترس)، مشارکت‌کنندگان اولیه دیگر مشارکت‌کنندگان بالقوه را معرفی می‌کنند.

۵-۲-۲- جمع‌آوری داده

در این بخش، شرح مختصری از روش‌های رایج جمع‌آوری داده در پژوهش‌های کیفی بیان می‌شود. این روش‌ها عبارتند از: مصاحبه‌های فردی، گروه‌های کانونی، مشاهده و تحلیل اسناد.

۵-۲-۳- مصاحبه‌های فردی

در پژوهش کیفی، مصاحبه‌ها به طور گسترده به عنوان روش جمع‌آوری داده مورد استفاده قرار می‌گیرند. مصاحبه‌ها ممکن است به صورت ساختاری،

نیمه ساختاری یا غیرساختاری باشند. مصاحبه ساختاری مشابه با رویکرد پرسشنامه‌ای است که منجر به سطح نسبتاً جزئی از پاسخ می‌شود. انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاری شامل تعداد اندکی از حوزه‌های مورد علاقه از پیش تعیین‌شده با به فعالیت واداشتن‌های ممکن برای کمک به گفتگو است. مصاحبه‌های غیرساختاری شامل حوزه گسترده‌ای برای کشف است و پژوهشگر به طور قابل ملاحظه‌ای

4. Snowball
5. Information-rich cases'

1. Thematic analysis
2. Generic approach
3. Convenience

ممکن است دارای تجربه، پیش‌زمینه یا موقعیت مشابه یا متفاوت باشند. در این حالت، بحث گروهی توسط پژوهشگر تسهیل می‌شود و ممکن است بین ۱ تا ۲ ساعت طول بکشد. دومین شخص می‌تواند هر موضوعی که به وجود می‌آید؛ از قبیل زمانی که فردی باید فوری جلسه را ترک کند، یادداشت برداشتن از ارتباطات غیرشفاهی و حمایت از پژوهشگر در بازتاب و گزارش پس از آن را مدیریت کند. گروه کانونی یک نوار صوتی برای رونویسی بعدی است. گروه‌های کانونی یک روش مفید برای کسب انواعی از داده‌های غنی است، اما مستلزم تسهیل ماهرانه برای اداره پویایی‌های گروه و اطمینان از همه صداهای شنیده شده است. زمانی که پژوهشگر خواهان کسب طیفی از دیدگاه‌ها درباره موضوعی خاص باشد، گروه‌های کانونی مفید هستند. انتخاب شرکت‌کنندگان گروه-های کانونی، بیشتر بر نمونه‌گیری هدفمند تکیه دارند [۳۶].

۵-۲-۵- مشاهده

مشاهده یکی دیگر از تکنیک‌های جمع‌آوری داده در پژوهش کیفی است که ممکن است رسمی یا غیررسمی باشد. ابزار در مشاهده رسمی، یک دستورالعمل یا برنامه برای مشاهده است، در حالی که ابزار مشاهده غیررسمی خود پژوهشگر است. به علاوه، ممکن است پژوهشگر در موقعیت مشارکت کند و بخشی از چیزی باشد که آن را مشاهده می‌کند (مشاهده مشارکتی)، یا ممکن است هیچ نقشی در موقعیت به جز مشاهده‌گر نداشته باشد (مشاهده غیرمشارکتی). معمولاً پژوهش‌های کیفی از مشاهده مشارکتی غیررسمی استفاده می‌کنند [۱۲]، جایی که داده‌ها، تفسیر آن چیزی هستند که توسط مشاهده‌گر دیده می‌شود. داده‌ها ممکن است به روش‌های مختلف از جمله یادداشت‌برداری از زمینه، نوار صوتی و نوار ویدئویی کسب شوند. در حالی که مشاهده، پژوهشگر را قادر به دیدن (و شنیدن) دقیق چگونگی عمل و

مسیر مشارکت‌کننده را ادامه می‌دهد. مصاحبه‌ها می‌توانند رودررو، با تلفن یا از طریق اینترنت انجام شوند. مصاحبه‌ها در حدود ۳۰ تا ۹۰ دقیقه برای تکمیل شدن به طول می‌انجامد. مصاحبه‌های فردی هنگامی مؤثر و مفید واقع می‌شوند که پژوهشگر خواهان کشف تجارب یا دیدگاه‌های افراد باشد.

۵-۲-۴- گروه‌های کانونی

یکی از ابزارهای گردآوری داده‌ها در پژوهش کیفی، گروه‌های کانونی است. گروه‌های کانونی، جلسه‌های بحث سازمان‌دهی شده‌ای است که در آن گروهی از افرادی انتخاب می‌شوند که بتوان به نظر آنان به عنوان کانون بحث موضوعی متمرکز شد. سپس از طریق مصاحبه گروهی، این افراد نظرها و تجربه‌های خود را بازنمایی می‌کنند. گروه‌های کانونی، یکی از فنون مصاحبه کیفی است که برای ایجاد تعامل بین اعضای گروه طراحی شده است تا انگیزه برای بحث عمیق‌تر را فراهم و جنبه‌های مختلف و جدید موضوع مورد بحث را آشکار کند. یکی از ویژگی‌های مصاحبه‌های گروه کانونی، تعامل میان اعضای گروه (مصاحبه شونده‌گان) است که تمایل به تفکر و تبادل نگرش‌ها و ایده‌ها را برمی‌انگیزد؛ در حالی که ممکن است به راحتی طی جلسه‌های مصاحبه مستقیم انفرادی ظهور نیابد. باید دانست تشکیل گروه کانونی، جلسه‌ای برای حل مشکل یا تصمیم‌گیری نیست؛ بلکه تنها یک جلسه مصاحبه است. هدف از این روش، کشف نگرش‌ها، احساسات، باورها، تجربه‌ها و واکنش افراد است که در مقایسه با روش مصاحبه‌های فردی، پژوهشگر در مدت زمانی کوتاه‌تر، اطلاعات بیشتری به دست می‌آورد.

این روش شامل یک مصاحبه گروهی متشکل از ۱۰-۶ نفر درباره موضوعی خاص است و می‌تواند به صورت ساختاری، نیمه‌ساختاری و غیرساختاری باشد. با توجه به سوال پژوهش، گروه انتخاب شده ممکن است متجانس یا نامتجانس باشد، به عبارت دیگر، آنها

گیرند. پژوهشگر با استفاده از روش‌های مشاهده باید قادر به مرور تئوری توسعه یافته از مصاحبه‌های پیشین در عمل باشد و همچنین تئوری را بیشتر توسعه و درک بیشتری از فرایندهای تحت مطالعه ارائه دهد. البته برای جمع‌آوری داده روش‌های دیگری نیز وجود دارند که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: پروتکل زبانی^۲ (فکر کردن با صدای بلند^۳) که تفکر را در یک موقعیت مشخص دریافت می‌کند؛ تکنیک‌های شبکه خزانه^۴؛ شبیه‌سازی، گروه‌های تحرک و اسمی، نرمال و روش دلفی؛ تکنیک رویداد بحرانی^۵، نوشته‌های توصیفی^۶ و روش‌های پژوهش دیداری^۷.

۶- تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده در پژوهش کیفی در مقایسه با پژوهش کمی، فرایندی بسیار وقت‌گیر و دشوار است. معمولاً پژوهشگر بین مجموعه‌ای از داده و تحلیل داده به طور مداوم به عقب و جلو حرکت می‌کند، به عبارت دیگر او فرایندی تکراری را دنبال می‌کند. متداول‌ترین شکل این داده‌ها به صورت تعدادی از صفحه‌ها است که واژگان روی آن نوشته شده است و سپس نیاز به تحلیل و تفسیر دارند. برنامه تحلیل داده‌ها در هر شکلی از پژوهش باید در مراحل برنامه‌ریزی مطالعه رخ دهد. روش‌های تحلیل عبارتند از: تحلیل تم^۸، تحلیل محتوا^۹، روش مقایسه مداوم تحلیل داده^{۱۰}، تحلیل گفتمان^{۱۱}، تحلیل گفتمان انتقادی^{۱۲}، تحلیل مکالمه^{۱۳} و تحلیل داستان‌سرایی^{۱۴}. اطلاعات بیشتر در زمینه تحلیل داده در مطالعات گیبز^{۱۵} (۲۰۰۷) و گربیح^{۱۶} (۲۰۰۷) وجود دارد.

تعامل افراد در یک موقعیت معین می‌کند، ممکن است حضور پژوهشگر بر رفتار افراد تأثیرگذار باشد. موضوع دیگر آنکه مشاهده وقت‌گیر است، حتی برخی مشاهده‌ها سال‌ها به طول می‌انجامد تا پژوهشگر بتواند به طور کامل در موضوع پژوهش مسلط شود. غالباً مشاهده‌گر توصیفی از آنچه که مشاهده کرده را می‌نویسد و سپس چارچوبی تئوریک برای کمک به توضیح موردی ایجاد می‌کند که در آن موقعیت قصد انجامش را دارد. این امر منجر به تمرکز بیشتر مشاهده بر موضوع‌های خاص می‌شود. یک مزیت این روش نسبت به روش‌های مصاحبه، توانایی مشاهده تئوری در عمل^۱ است، بیشتر از آنکه یک تئوری مورد حمایت قرار بگیرد، ایجاد می‌شود.

۵-۲-۶- تحلیل اسناد

تحلیل اسناد اشاره به اسناد نوشته شده‌ای دارد که ممکن است از کتاب‌های درسی، مقاله‌ها، یادداشت‌ها، خلاصه‌ای از جلسه‌ها و بایگانی‌ها گرفته شود، با این حال ممکن است شامل تصاویر، طرح‌ها، عکس‌ها، برنامه‌های تلویزیون و غیره نیز باشد [۱۲]. اساس و مقدمات تحلیل اسناد، تشخیص زمینه سند و تعیین کسی است که آن را می‌نویسد و اینکه به چه منظوری این کار را انجام می‌دهد [۱۲]. این اسناد، مأخذ غنی‌ای از اطلاعات را در مورد تفسیرها یا برداشت‌های کارکنان و گروه‌ها در مورد زندگی سازمانی شکل می‌دهند، زیرا این اسناد یکی از نتایج فرعی تعاملات و ارتباطات افراد و گروه‌ها در همه سطوح در سازمان هستند [۳].

در هر پژوهشی ممکن است ترکیبی از روش‌های جمع‌آوری داده که در بالا ذکر شد، مورد استفاده قرار

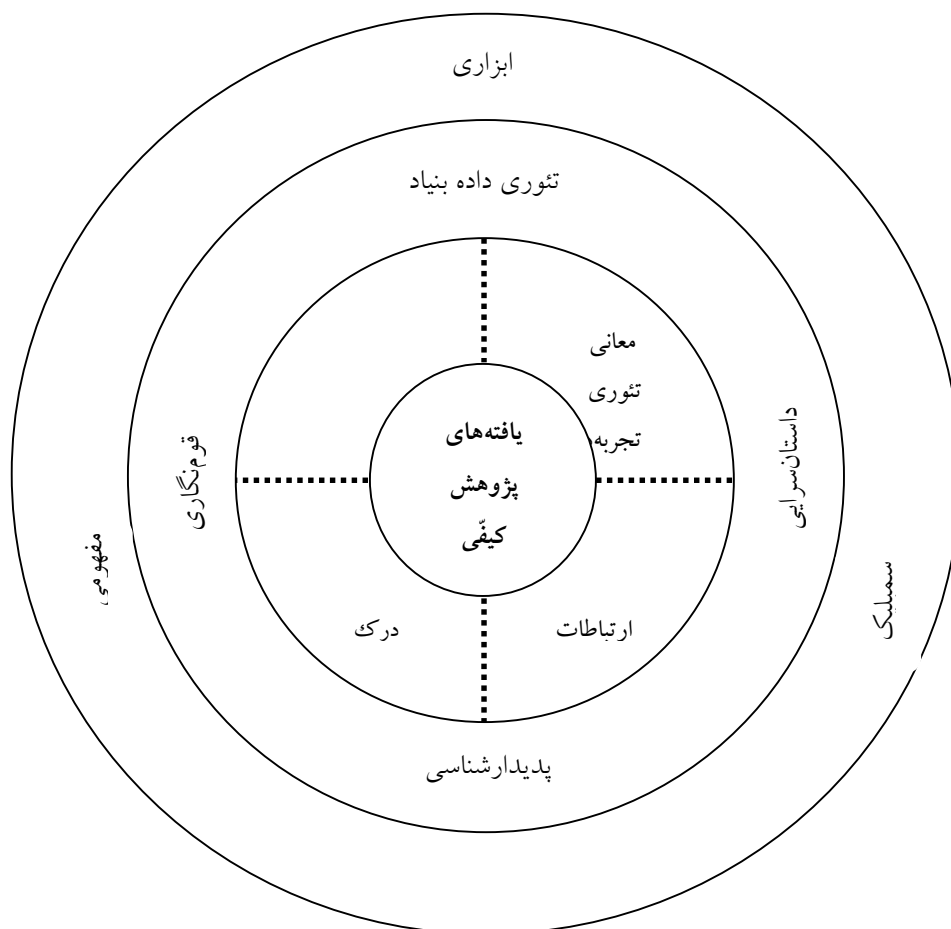
9. Content analysis
10. Constant comparison method of data analysis
11. Discourse analysis
12. Critical discourse analysis
13. Conversation analysis
14. Analysis of narratives
15. Gibbs
16. Grbich

1. Theory-in-action
2. Verbal protocol
3. Think aloud
4. Repertory grid
5. Critical incident
6. Vignettes
7. Visual research
8. Thematic analysis

است. تعدادی از روش‌ها برای انجام تحلیل تم وجود دارند که می‌توان به بروان و کلارک^۱ (۲۰۰۶) اشاره کرد.

نتایج پژوهش کیفی با استفاده از تئوری داده بنیاد، پدیدارشناسی، روش‌شناسی‌های روایتی و قوم‌نگاری می‌توانند به عنوان ابزار، کاربردهای مفهومی یا سمبلیک برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مدیریتی مفهوم‌سازی شوند [۳۷]. (شکل ۳). برای مثال جایی که موانع انجام تمرین مشخص هستند، ابزار اشاره به کاربرد مستقیم یافته‌های پژوهش برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مدیریتی دارد. کاربرد مفهومی اشاره به یافته‌های پژوهش دارد که بینشی را در یک موضوع ارائه می‌دهد. کاربرد سمبلیک به یافته‌هایی اشاره دارد که ممکن است خدمت یا خط‌مشی را اعتبار ببخشد.

تحلیل تم یکی از روش‌هایی است که به طور گسترده استفاده می‌شود. در ابتدا پژوهشگر چند بار داده‌ها را می‌خواند تا با کل متن آشنایی پیدا کند. به جمله‌ها، عبارت‌ها، پاراگراف‌ها یا خط‌ها کد داده می‌شود؛ کدها در میان تمام داده‌ها مقایسه می‌شوند تا اختلاف‌ها، شباهت‌ها، الگوها و روابط مشخص شوند؛ پژوهشگر بازتاب‌ها و ایده‌های مرتبط با بخش‌هایی از داده را به منظور خلاصه‌نویسی داده و تحلیل عمیق‌تر می‌نویسد (یادداشت نویسی)؛ انجام آزمایش و توسعه ایده‌ها از طریق جمع‌آوری داده‌های بیشتر رخ می‌دهند (به وسیله نمونه‌گیری نظری) که در حال حاضر بیشتر بر آن تمرکز می‌شود؛ کدها برای ایجاد تعداد کمتری از موضوع‌ها طبقه‌بندی می‌شوند تا پژوهشگر بتواند موضوع‌های کلیدی را تشخیص دهد؛ سپس روابط بین موضوع مشخص می‌شود تا یک طرح موضوعی ایجاد شود. این فرایند به صورتی که در اینجا ذکر شد؛ فرایندی متوالی خطی نیست، بلکه تحلیل شامل حرکت مداوم و مستمر در میان این مراحل



شکل (۳) چارچوبی برای یافته‌های پژوهش کیفی [۳۸]

۷- کیفیت پژوهش کیفی (روایی و پایایی)

شیوه‌ای که در آن پژوهش کیفی ارزیابی می‌شود، موضوعی قابل بحث است [۴۱،۴۰،۳۹]. در حالی که عده‌ای از معیار یکسان همانند پژوهش کمی یاد می‌کنند [۴۲]، دیگران در مورد معیارهای متفاوتی بحث کرده‌اند [۴۳،۳۹]، با وجود اینکه هنوز خیلی‌ها هر

معیار از قبل تعیین شده‌ای را رد می‌کنند [۴۱،۴۰،۳۶]. به نظر می‌رسد، فرضیه‌های شناخت‌شناسی پژوهش کیفی متفاوت از معیارهای پژوهش کمی است. زیرا هر رویکرد مستلزم معیاری متفاوت است [۴۳]، معیارهای پذیرفته شده در هر دو رویکرد در جدول شماره (۶) به طور خلاصه آمده است.

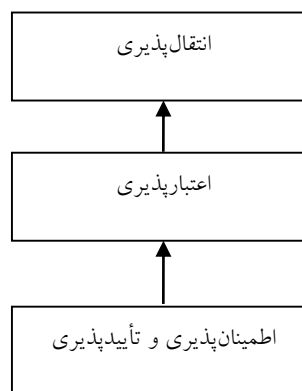
جدول (۶) معیار کیفیت در پژوهش کمی و کیفی؛ [۴۵،۴۴].

معیار کیفیت پژوهش کمی	معیار کیفیت پژوهش کیفی	توصیف‌گر	استراتژی‌ها
عینیت یا طبیعت‌گرایی	تأییدپذیری	حدی که یافته‌ها محصول مطالعه هستند نه تعصب پژوهشگر.	ممیزی فرایندهای تحلیل داده، کنترل اعضا، واکنش مجله‌های علمی. سه‌جانبه‌گرایی ^۱ .
پایایی	اطمینان‌پذیری (سازگاری)	حدی که مطالعه می‌تواند تکرار شود و اختلاف‌ها درک شود.	ممیزی فرایندها و رویه‌ها، واکنش مجله‌های علمی، سه‌جانبه‌گرایی.
روایی درونی	اعتبارپذیری	حدی که یافته‌ها مورد اعتماد هستند یا مشارکت‌کنندگان در مطالعه به آن اعتقاد دارند.	تعامل طولانی‌مدت، مشاهده مستمر، تعداد موارد ارجاعی، گزارش‌گیری همکاران، کنترل اعضا، تحلیل موارد منفی ^۲ ، واکنش مجله‌های علمی، سه‌جانبه‌گرایی.
روایی بیرونی	انتقال‌پذیری (کاربردپذیری)	حدی که یافته‌ها در دیگر زمینه‌ها یا با دیگر مشارکت‌کنندگان می‌توانند به کار برده شوند.	توصیف غنی داده‌ها، نمونه‌گیری هدفمند، واکنش مجله‌های علمی.

۷-۱- تأییدپذیری

حدی که یافته‌ها بازتاب تمرکز بر پرس و جو است، نه تعصب پژوهشگر [۴۶]. تأییدپذیری به معنای کوشش برای احراز شاخص عینیت در پژوهش است؛ به عبارت دیگر در پژوهش کیفی این امر بیشتر به معنای قدرت تحلیل و دقت داده‌ها و میزان تأیید آنهاست [۴۷]. شیوه‌ای که پژوهشگر تفاسیر، مفاهیم و نتایجی را بیان می‌کند که به وضوح از طریق بررسی به دست آمده است. پژوهشگران کیفی یا طبیعت-گرایان، تجارب خود را بیان می‌کنند که تفاسیر آنها تحت تأثیر ذهنیت آنها قرار دارد و این موضوع برای خواننده از طریق فرایند بازاندیشی^۳ شناخته شده است. جمع‌آوری داده که باعث تغییر در دیدگاه‌ها می‌شود، ممکن است همچنین برای کاهش تعصب پژوهشگر کمک‌کننده باشند [۴۶].

انتقال‌پذیری^۳ به اعتبارپذیری^۴ بستگی دارد، که آن نیز به نوبه خود به اطمینان‌پذیری^۵ و تأییدپذیری^۶ بستگی دارد (شکل ۴).



شکل (۴) سلسله مراتب معیار برای مطالعه طبیعی [۴۵]

۱. معادل لاتین سه‌جانبه‌گرایی (Triangulation) است؛ که به "تثلیث"، "سه‌سوسازی" نیز ترجمه شده است. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه به مقاله بروجنی و نصر (۱۳۸۸) تحت عنوان "سه‌سوسازی: راهبردی برای نوآوری در پژوهش‌های آموزشی" فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۳۰، سال هشتم، مراجعه شود.

2. Negative case analysis
3. Transferability
4. Credibility
5. Dependability
6. Confirmability
7. Reflexivity

۲-۷- اطمینان‌پذیری (پایایی)

[۴۷]. یک پژوهش کیفی سعی در کنترل تعداد زیادی از عوامل موجود در پدیده تحت بررسی را ندارد، بلکه به طور کلی به دنبال کشف پیچیدگی‌های خود است. تفسیر چنین پیچیدگی برای پژوهشگر چالش‌برانگیز است و استراتژی‌های زیادی برای تسهیل این فرایند به کار گرفته می‌شوند [۴۶]: تعامل طولانی‌مدت و مشاهده مستمر پژوهشگر را قادر به درک عمیق از پدیده تحت مطالعه می‌کند؛ گزارش همکاران برای آزمایش دیدگاه‌ها، ایده‌ها و تحلیل با همکاران خارج از زمینه؛ جمع‌آوری انواع داده‌ها از دیدگاه‌های مختلف برای بررسی متقابل تفاسیر؛ جمع‌آوری داده-هایی که درک از زمینه‌ای مثل اسناد، نوارهای ویدئویی و تصاویر را غنی می‌کند؛ آزمایش به هم وابستگی یافته‌ها، جستجو برای تناقض‌ها و بررسی گزینه‌ها و موارد منفی، پالایش داده و اظهارنظرها در مورد تفاسیر با بررسی مشارکت‌کنندگان. استراتژی آخر در ایجاد اعتبارپذیری حیاتی است. چه حد مشارکت‌کنندگان به یافته‌های پژوهش اعتقاد دارند؛ آیا یافته‌ها درست هستند؟ با درجه کمتری یک مطالعه زمانی معتبر است که افراد خارج از مطالعه نیز یافته‌ها را درک کنند [۴۸].

۷-۴- انتقال‌پذیری (روایی بیرونی)

انتقال‌پذیری به معنای قابلیت تعمیم نتایج به سایر حوزه‌ها و زمینه‌هاست [۴۷]. در یک پژوهش کیفی فرض می‌شود که یافته‌ها مربوط به زمینه خاصی هستند و به همین دلیل تعمیم یافته‌ها مدنظر نیست. به منظور افزایش درک عمیق از پدیده تحت بررسی و به منظور تضمین اینکه داده‌ها طیفی از دیدگاه‌ها را پوشش می‌دهد، نمونه‌گیری هدفمند مورد استفاده قرار می‌گیرد. به علاوه، داده‌های توصیفی زیادی از پدیده جمع‌آوری شده تا دیگران قادر به تعیین میزانی باشند که یافته‌ها ممکن است

اطمینان‌پذیری یا قابلیت وابستگی معادل پایایی در پژوهش کمی است و به درجه بازیافت‌پذیری و تکرارپذیری داده‌ها از سوی سایر افراد اطلاق می‌شود [۴۷]. به دلیل ماهیت تفسیری و تأویلی رفتار انسان و وجود برداشت‌های متفاوت و داشتن دیدگاه‌های مختلف از سوی مشاهده‌گران به منظور بررسی و تفسیر مشاهده‌ها و مصاحبه‌های خود، احراز این شاخص هم‌چندان با آسانی میسر نیست. یک پژوهش کیفی تفاوت‌های بین افراد و زمینه‌ها را می‌پذیرد و همچنین در گذر زمان امکان تکرار مطالعه در جای دیگر وجود ندارد. به علاوه، تحلیل داده یک فعالیت پویا و خلاق است که توسط پژوهشگر انجام می‌شود و در آن دیدگاه‌ها توسعه می‌یابند و در سراسر فرایند تغییر می‌کنند. پیگیری این روندها و فرایندها توسط پژوهشگر، قضاوت توسط دیگری را امکان‌پذیر می‌کند. برای اطمینان از پایایی یک پژوهش کیفی، آزمون اعتمادپذیری^۱ آن امری حیاتی است [۴۷]. اعتمادپذیری به اطمینان و اعتماد شخص از پژوهش و یافته‌های آن برمی‌گردد [۱۲] و توسط افرادی تعیین می‌شود که تحقیق را ارزیابی می‌کنند (در تحقیق کمی به روایی که توسط پژوهشگر قضاوت شده برمی‌گردد). به طور کلی، پژوهشگران کیفی بیشتر به مباحثی چون اعتمادپذیری داده‌های جمع-آوری شده و صحت آنها و همچنین دقت در به‌کارگیری روش اجرای پژوهش توجه دارند و بحث تعمیم‌پذیری نتایج به موارد مشابه در اولویت نیست.

۷-۳- اعتبارپذیری (روایی درونی)

اعتبارپذیری به واقعی بودن توصیف‌ها و یافته‌های پژوهش اشاره دارد و عبارت است از درجه اعتماد به واقعی بودن یافته‌ها برای شرکت‌کنندگان پژوهش و برای زمینه‌ای که این پژوهش در آن انجام شده است

1. Trustworthiness

پژوهشگر با توجه به وابستگی‌اش به پارادایم خاص و بر اساس برداشت‌های هستی‌شناسانه و شناخت-شناسانه از نوع خاص و متفاوتی از روش‌شناسی‌ها و روش‌های کیفی استفاده می‌کند. به عبارت دیگر، هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی بر روش‌شناسی، روش پژوهش و حتی روش تجزیه و تحلیل داده‌ها اثر می‌گذارد که آن نیز مبنایی برای ایجاد دانش است. پارادایم است که مشخص‌کننده مبنای هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی پژوهشگر و فهم او از مفاهیم پژوهش است. بدون توجه به پارادایم‌ها، امکان جمع-آوری و تحلیل داده‌ها و اطمینان از دقت آنها به سادگی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا بدون در نظر گرفتن پارادایم، داده‌ها تحت تئوری خاصی قرار نگرفته و تبیین نمی‌شوند.

همانطور که بیان شد؛ رویکرد کیفی بیشتر فرضیه‌ها خود را از پارادایم تفسیری اقتباس کرده است. روش‌شناسی‌های رایج در پژوهش کیفی عبارت بودند از: نظریه داده بنیاد، مطالعه موردی، قوم‌نگاری، پدیدارشناسی، داستان‌سرایی، پژوهش ارزیابی، اقدام-پژوهی، هرمنوتیک و فمینیسم. برای آگاهی بیشتر خوانندگان، پنج مورد از پرکاربردترین این روش‌شناسی‌ها به طور مفصل توضیح داده شدند. نتایج بررسی‌ها نشان داد در حوزه‌ها و موضوع‌های مختلف از هر کدام از روش‌شناسی‌ها استفاده مناسب شده است و نتایج خوبی به دست آمده است. برای مثال؛ در داستان‌سرایی، درک داستان‌ها توسط مدیران باعث می‌شود آنها از طریق داستان بتوانند الگوهایی را ارائه کنند و بر اساس آن الگو، ایجاد انگیزه، احساس رضایت، افزایش تعهد سازمانی و... را مد نظر قرار دهند.

بعد از مشخص شدن روش‌شناسی پژوهش، روش‌های رایج جمع‌آوری داده و تحلیل‌های مورد استفاده در پژوهش کیفی انتخاب می‌شوند. در پژوهش‌های کیفی انواعی از روش‌ها و همچنین نوع

برای خودشان به کار برده شود. این انتقال‌پذیری به دیگران به تعمیم تئوریک یا تحلیلی برمی‌گردد [۱۲]. مسئولیت تعیین انتقال‌پذیری با کسانی است که ممکن است یافته‌ها را در محیط خود به کار گرفته باشند [۴۸،۴۶]. حائز اهمیت است که ارزیابی کیفیت پژوهش طبیعت‌گرایانه یا در واقع پژوهش کمی، با یا بدون معیار ساختاری اجتماعی، در انتهای قضاوت اجتماعی است [۴۹]. هیچ منبعی که خلاف این معیار را بگوید وجود ندارد. به علاوه، استراتژی‌های توضیح داده شده برای ارتقاء کیفیت مطالعه، خودشان اعتمادپذیری را تضمین نمی‌کنند.

۸- نتیجه‌گیری

پژوهشگران کمی و کیفی نقش مهمی در مبانی دانش علوم انسانی ایفا می‌کنند. در گذشته بیشتر از رویکردهای کمی در انجام پژوهش استفاده می‌شد که می‌توان هنوز آن را رویکرد غالب در پژوهش عنوان کرد؛ در حالی که استفاده از رویکردهای کیفی می‌تواند درک و آگاهی ما از خودمان و عملکردمان را افزایش دهد. امروزه در مجله‌های علمی در حوزه علوم انسانی کمتر به پژوهش‌های کیفی پرداخته شده است، به طوری که می‌توان گفت بر اکثر این مجله‌های تفکر اثبات‌گرایی حاکم است. در کنار تفکر اثبات‌گرایی، آگاهی نداشتن پژوهشگران از روش‌های پژوهش کیفی باعث شده است تمایل اندکی برای انجام پژوهش‌های کیفی وجود داشته باشد. از آنجا که پژوهش‌های کمی و کیفی دارای فرضیه‌های فلسفی و تئوریک بسیار متفاوت هستند؛ در این پژوهش به دنبال تشریح فرضیه‌ها، فرایندها و رویکردهای زیربنایی پژوهش کیفی به منظور افزایش درک پژوهشگران علوم انسانی بودیم. به همین دلیل، پارادایم‌های اثبات‌گرایی/فرااثبات‌گرایی و تفسیری مورد بررسی قرار گرفتند. مقایسه فرضیه‌های این دو پارادایم، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که

دارد. امیدواریم پژوهش توانسته باشد مبنای دانش زیربنایی را در حوزه علوم انسانی ارتقا داده باشد.

منابع

[1] Schon, D.A. (1987). *Educating the reflective practitioner*. San Francisco: Jossey-Bass.

[2] Creswell, J.W., 2007, *Qualitative inquiry and research design; choosing among five approaches*. Thousand Oaks: Sage.

[3] دانایی فرد، ح. الوانی، م. و عادل، آ. (۱۳۹۱).

روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. چاپ اول، تهران: انتشارات صفار.

[4] Blaikie N. (1993). *Approaches to social enquiry*, Cambridge: Polity.

[5] اعرابی، س.م. و فیاضی، م. (۱۳۸۹).

"استراتژی پژوهش کیفی در مدیریت"، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۴، صص ۲۴۱-۲۲۵.

[6] Bruce N., Pope D., and Stanistreet D. (2008). *Quantitative methods for health research, a practical interactive guide to epidemiology and statistics*, Chichester: Wiley.

[7] Keat, R., and Urry, J. (1975). *Social theory as science*, London: Routledge and Kegan Paul.

[8] رفیع پور، ف. (۱۳۶۰). *کند و کاوها و پنداشته-*

ها. تهران: شرکت سهامی انتشار.

[9] گائینی، ا. و حسین‌زاده، ا. (۱۳۹۱). "پارادایم-

های سه‌گانه اثبات‌گرایی، تفسیری و هرمنوتیک در مطالعات مدیریت و سازمان". راهبرد فرهنگ، شماره نوزدهم، صص ۱۳۸-۱۰۳.

[10] Dyson, S., and Brown, B. (2006). *Social theory and applied health research*. Maidenhead: Open University.

[11] Creswell, J.W. (2009). *Research design. Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*, Los Angeles: Sage.

[12] Robson, C. (2011). *Real world research*, 3rd ed. Chichester: Wiley.

تفسیرها و برداشتها وجود دارد. روش‌های رایج در پژوهش کیفی عبارت بودند از: مصاحبه‌های فردی، گروه‌های کانونی، مشاهده و تحلیل اسناد. بعد از جمع‌آوری اطلاعات، روش‌های مختلفی از قبیل؛ تحلیل متن، تحلیل گفتمان تحلیل تم، تحیل محتوا، روش مقایسه مداوم تحلیل داده، تحلیل گفتمان انتقادی، تحلیل مکالمه و تحلیل داستان‌سرایی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها وجود دارد، که مورد اشاره قرار گرفت. یکی از رایج‌ترین این روش‌ها، تحلیل تم بود که پژوهشگر باید چند بار داده‌ها را مطالعه و پس از آشنایی با متن و دادن کد به جمله‌ها و پاراگراف‌ها، تفاوت‌ها و شباهت‌ها را استخراج کند و بعد از خلاصه‌نویسی به تحلیل غنی دست پیدا می‌کند.

سخن آخر اینکه، هر پارادایمی بر اساس شناخت‌شناسی خود انوعی از اعتبار و پایایی را مورد توجه قرار می‌دهد. به طور کلی، معیار تعیین اعتمادپذیری پژوهش با استفاده از رویکرد کیفی به طور مختصر بررسی شد. برای ارزیابی کیفیت پژوهش کیفی قاعده کلی وجود ندارد. اما با ارائه روش‌هایی مانند؛ سه‌جانبه‌گرایی، تحلیل موارد منفی، تعامل طولانی‌مدت، مشاهده مستمر، تعداد موارد ارجاعی، گزارش‌گیری همکاران، کنترل اعضا، واکنش مجله‌های علمی و تحلیل فرایندها و رویه‌ها، تا حدودی این نقیصه قابل جبران است. در بحث روایی و پایایی در پژوهش کیفی بیشتر با واژه‌هایی چون اعتبارپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری مواجه هستیم. با بررسی دقیق این واژه‌ها به اینجا می‌رسیم؛ تأییدپذیری در پژوهش کیفی با بی‌طرفی و عینیت در پژوهش کمی، اطمینان‌پذیری در پژوهش کیفی با پایایی در پژوهش کمی، اعتبارپذیری در پژوهش کیفی با روایی درونی در پژوهش کمی و انتقال‌پذیری در پژوهش کیفی با روایی بیرونی در پژوهش کمی مشابهت و مطابقت

organizational research". *The Journal of Applied Behavioral Science*, 22(2), pp.141-157.

[26] Simons, H. (1980). *Towards a science of the singular*. Norwich: Centre for Applied Research in Education, University of East Anglia.

[27] Bassey, M. (1999). *Case study research in educational settings*. Maidenhead: Open University Press.

[28] ساک‌لوفسکی، ر. (۱۳۸۴). *درآمدی بر*

پدیدارشناسی. (مترجم: محمدرضا قربانی)، تهران: گام نو.

[29] جمادی، س. (۱۳۸۵). *زمینه و زمانه*

پدیدارشناسی؛ جستاری در زندگی و اندیشه‌های

هوسرل و هایدگر، تهران: نشر ققنوس.

[30] Smith, J.A., Flowers, P., and Larkin, M., 2009, "Interpretative phenomenological analysis: theory, method and research", London: Sage.

[31] حقی، س.ع. (۱۳۸۱). "مرور مراحل سه‌گانه

پدیدارشناسی هوسرل". *فصلنامه فلسفی*، شماره ۴ و

۵، بهار و تابستان.

[32] Rapport, f., and wainwright, p., 2006, "Phenomenology as a paradigm of movement", *nursing inquiry*, 13(3), pp. 228-236.

[33] الوانی، س.م. و بودلایی، ح. (۱۳۸۹).

"پدیدارشناسی در مطالعات کارآفرینی". *فصلنامه*

علوم مدیریت ایران، سال پنجم، شماره ۱۹، صص

۳۳-۶۱.

[34] Wolcott, H.F. (1994). *Transforming qualitative data, description, analysis, and interpretation*. Thousand Oaks: Sage.

[35] Lichtman, M. (2006). *Qualitative research in education, a user's guide*. Thousand Oaks: Sage.

[36] Johnson, R., and Waterfield, J. (2004). "Making words count: the value of qualitative research". *Physiotherapy Research International*, 9(3), pp.121-131.

[13] Carter, S.M., and Little, M. (2007). "Justifying knowledge, justifying method, taking action: epistemologies, methodologies, and thods in qualitative research", *Qualitative Health Research*, 17(10), pp, 1316-1328.

[14] Denzin, N.K., and Lincoln, Y.S. (2000). *Handbook of qualitative research*. 2nd ed. Thousand Oaks: Sage.

[15] Glaser, B.G., and Strauss, A.L. (1967). *The discovery of grounded theory, strategies for qualitative research*, New York: Aldine de Gruyter.

[16] Strauss, A., and Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research*. 2nd ed. Thousand Oaks: Sage.

[17] Charmaz, K. (2006). *Constructing grounded theory: a practical guide through qualitative analysis*. London: Sage.

[18] Yin, R.K. (2009). *Case study research, design and methods*. 4th ed. Los Angeles: Sage.

[19] Stake, R.E. (1995). *The art of case study research*. Thousand Oaks: Sage.

[20] Moustakis, C. (1994). *Phenomenological research methods*. Thousand Oaks: Sage.

[21] Van Manen, M. (1990). *Researching lived experience: human science for an action sensitive pedagogy*, Albany: State University of New York Press.

[22] Hammersley, M., and Atkinson, P. (1995). *Ethnography: principles in practice*, London: Routledge.

[23] McCall, M.M. (2000) *Performance ethnography: a brief history and some advice*. In: Denzin NK, Lincoln YS, editors. *Handbook of qualitative research*. 2nd ed. Thousand Oaks: Sage. p. 421-434. Ch 15.

[24] Elliott, J. (2005). *Using narrative in social research: qualitative and quantitative approaches*. London: Sage.

[25] Martin, P. A., and Turner, Barry. A. (1986). "Grounded theory and

case for reflexivity". *Journal of Advanced Nursing*, 28(4), pp.882-890.

[44] Nelson, A.M. (2008). "Addressing the threat of evidence-based practice to qualitative inquiry through increasing attention to quality: a discussion paper". *International Journal of Nursing Studies*, 45, pp.316-322.

[45] Erlandson, D.A., Harris, E.L., Skipper, B.L., and Allen, S.D. (1993). *Doing naturalistic inquiry, a guide to methods*. Newbury Park: Sage.

[46] Lincoln, Y. S., and Guba, E. G. (1985). "Naturalistic inquiry", Beverly Hills, CA: Sage.

[47] عباسزاده، محمد ۱۳۹۱، "تأملی بر اعتبار و پایداری در تحقیقات کیفی"، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۳، شماره اول، پیاپی ۴۵.

[48] Sandelowski, M. (1986) "The problem of rigor in qualitative research", *Advances in Nursing Science*, 8(3), pp.27-37.

[49] Hammersley, M. (1990). *Reading ethnographic research: a critical guide*. London: Longman.

[37] Jack, S.M. (2006). "Utility of qualitative research findings in evidence-based public health practice". *Public Health Nursing*, 23(3), pp.277-283.

[38] Igo, S. (2011). *Qualitative research evidence: how does it contribute to evidence-based practice?* Amsterdam: World Physical Therapy Congress.

[39] Sandelowski, M., and Barroso, J. (2002). "Reading qualitative studies". *International Journal of Qualitative Methods*, 1(1), pp.74-108.

[40] Hope, K.W., and Waterman, H.A. (2003). "Praiseworthy pragmatism? Validity and action research". *Journal of Advanced Nursing*, 44(2), pp.120-127.

[41] Rolfe, G. (2006) "Validity, trustworthiness and rigour: quality and the idea of qualitative research". *Journal of Advanced Nursing*, 53(3), pp.304-310.

[42] Morse, J.M., Barrett, M., Mayan, M., Olson, K., and Spiers, J. (2002). "Verification strategies for establishing reliability and validity in qualitative research". *International Journal of Qualitative Methods*, 1(2), pp.13-22.

[43] Koch, T., and Harrington, A. (1998). "Reconceptualizing rigour: the

A Paradigmatic Transition from Quantitative Research to Qualitative Research in Humanities

M. Moradi ¹

Recent years have witnessed accelerated scientific progress in all scientific fields. The scientific advances are the results of scientific researches. But research methods are also experiencing a lot of changes and improvements. The purpose of this research is to give consideration to the qualitative research methods and common paradigms with their qualitative evaluation criteria; because it is believed that the development of quality research will help to develop comprehensive knowledge in the field of humanities. Theoretical and philosophical understanding of qualitative research can encourage humanities scholars to evaluate and use the qualitative methods in order to influence on their performances. This may involve a paradigm shift in thinking for some people. For this purpose, the fundamental principles of two common scientific paradigms namely positivism/post positivism and interpretive paradigm are raised. Then, the relationship of paradigmatic foundations and methodology are presented. Common methodologies in qualitative research, such as, grounded theory, case studies, phenomenology, ethnography and narration are studied. In what follows, data collection methods including individual interviews, focus groups, observation and document analysis are explained. Finally, the strategies of increasing the quality of qualitative research are examined and then compared with the quantity research strategies.

Keywords: Paradigm, Phenomenology, Interpretative, Positivism, Ethnography, Grounded theory

1. Morteza_moradi@pnu.ac.ir